



همبستگی هفتگی

۳۹

۳ اسفند ۱۳۸۰
۲۲ فوریه ۲۰۰۲

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

فکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

همبستگی هفتگی را تکثیر و پخش کنید

رئوس خواستها و مطالبات کمپین اعتراضی علیه بی حقوقی پناهجویان در ترکیه!

از سوی دو فدراسیون سراسری پناهجویان ایرانی و عراقی علیه وضعیت ضد انسانی و بی حقوقی مطلق پناهجویان در ترکیه یک کمپین سراسری و بین المللی را اعلام میکنیم. روز ۲۸ فوریه را به عنوان شروع کمپین اعتراضی خود اعلام میکنیم. این کمپین اعتراضی اساساً علیه اقدامات و نحوه رفتار کیساریای عالی فراریان سازمان ملل در ترکیه در مقابل هزاران هزار پناهجو میباشد.

هم اکنون هزاران هزار پناهجو در ترکیه در وضعیت بسیار نابسامان و ضد انسانی به سر میبرند. پروسه رسیدگی به پرونده های آنان بدون دلیل ماهها و گاهها سالها به طول می انجامد، این در شرایطی است که حتی حق کار ندارند. کسانی که رد میشوند حتی از حق اطلاع خود از دلایل ردی و به این ترتیب آگاهانه از حق دفاع از خود محروم میشوند. در همه مراجع حقوقی بین المللی فرجام حق هر کسی است و اطلاع از دلایل رد پرونده هم حق مسلم و مدنی انسانها.

هم اکنون پناهجویانی که از کردستان عراق به ناچار به ترکیه آمده اند از سوی سازمان ملل با برخوردهای ضد انسانی مواجه و تا رسیدگی و جواب به پرونده خود از هرگونه امکان اولیه اجتماعی و زندگی و پزشکی محروم میشوند. در خیلی از مواقع حتی پناهندگانی که قبولی هم گرفته اند از امکانات زندگی محروم میشوند. در شرایطی که پناهجویان در ترکیه حق کار ندارند، این عمل سازمان ملل در ترکیه حکم مرگ تدریجی در اثر گرسنگی، بی سرپناهی و ابتلاء آنها، بویژه زنان و کودکان به بیماریهای خطرناک است. این اقدام، خلاف قوانین و تعهدات بین المللی و موازین حقوق انسانی است. کسانی که بدون در دست داشتن پاس فرار میکنند، خلاف تعهدات بین المللی خود سازمان ملل، مبنی بر اینکه فراریان باید دور از مرزهای کشورهایی که از آن گریخته، اسکان داده شوند، در نزدیکی مرزها، اسکان یافته و در موارد بیشمار طعمه تروریستهای اسلامی میشوند.

دفاتر یوان در ترکیه با فراهم کردن چنین شرایطی در زندگی پناهجویان نه فقط آنها را محکوم به بی حقوقی میکنند، بلکه با همکاری با پلیس ترکیه، تلاش میکنند تا جلو اعتراضات به حق پناهجویان را هم بگیرند.

وکلائی سازمان ملل پناهجویان را تحقیر می کنند، پناهجویان غالباً با مترجمان مشکل دارند، از سوی گاردهای دم در با آنها برخوردهای تحقیر آمیز شده، در مواردی پناهجویان از آنها کتک خورده اند. زنان پناهجو مستقل از همسرانشان مصاحبه نمی شوند، و تبعیض جنسی در رفتار سازمان ملل کاملاً در این زمینه قابل مشاهده و بررسی میباشد.

صفحه ۳

۸ مارس، روز جهانی زن یک صدا اعلام کنیم نابود باد جدا سازی جنسی و حجاب اجباری

آتش کشید. در هشت مارس و برای برابری! مرگ بر جمهوری اسلامی!
به طالبانهای حاکم بر جوامع دبیرخانه همبستگی - فدراسیون



سراسری پناهندگان ایرانی
۲۰ فوریه ۲۰۰۲ - ۳۰ بهمن
(بخشهایی از اطلاعات دبیرخانه
اسلامزده زد و یک صدا اعلام
کرد: زنده باد جنبش برابری طلبانه
زنان و مردان! زنده باد آزادی

هیچ زمان چون امروز شرایط جامعه برای یک تعرض همه جانبه و تحمیل وسیع ترین خواستهای برابری طلبانه و محو آپارتاید جنسی، و به این اعتبار تعرض به کل موجودیت جمهوری اسلامی مهیا نبوده است. در این شرایط ویژه تاریخی و در شرایطی که جمهوری اسلامی اسیر مبارزات رادیکال و انقلابی مردم ایران گردیده است باید با وسیع ترین مطالبات از حقوق زنان دفاع کرد. هشت مارس امسال باید شاهد گسترده ترین مبارزه آزادیخواهان و همه مردم ایران و جهان بر علیه جدا سازی زن و مرد و علیه حجاب اجباری باشد. در این روز باید حجاب تحمیلی را دور انداخت و به

علیه "بازداشت"

مریم نمازی



این دولت در مقابل مردم فراری از سرکوب و خشونت و بی حقوقی است. به گفته "کمپین علیه بازداشت دلبخواهی در یارلز وود" بسیاری از مامورین آتش نشانی ابراز کردند که از رفتار پلیس و "گروه ۴" شوکه شدند. (گروه ۴ شرکت خصوصی است که از دولت ۱۰۰ میلیون پوند دریافت کرده است تا "یارلز وود" را بسازد و اداره کند). "مامورین آتش نشانی شرح دادند با مردم مانند گله حیوانات برخورد

صفحه ۳

روز ۱۴ فوریه نیمی از "بازداشتگاه یارلز وود" واقع در شهر "بدفوردشیر" انگلستان که ۱۳ هفته پیش در محل یک پایگاه وزارت دفاع بنا شده بود، از سوی پناهجویانی که در آن زندانی بودند به آتش کشیده شد و حدود ۲۵ پناهجو مفقود گردیده اند. این نگرانی وجود دارد که تعدادی از آنان در آتش سوزی کشته شده باشند. اگر این امر واقعیت پیدا کند این پناهجویان قربانیان جدید ترادژیهای انسانی "قلعه انگلیس" خواهند بود.

"یارلز وود" که بزرگترین "مرکز بازداشت" در اروپا می باشد، یک پایه اصلی در طرح دولت انگلیس برای تسریع و افزایش دیپورتها بوده است. اطلاعات رسیده نشانهای دیگر از وسعت وحشیگری

انسجام و اتحاد در مقابل اخراج

صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی!

کمپین اعتراضی حقوق پناهجویان در ترکیه، اهمیت اقدامات و فعالیتهای ما!



مهرنوش موسوی

برای اعتراض به بی حقوقی زنان در کشورهای اسلام زده و زنان فراری از این کشورهاست. در دل پیشبرد این کمپین میتوان و باید به این روز مهم توجه داشت و همزمان در ترکیه بویژه این آکسیون اعتراضی را به پیش برد.

موفقیت این کمپین اعتراضی در گرو کار آگاهانه و نقشه مند و متشکل همه ماست. روز ۲۸ فوریه شروع کار ماست.

است و افق سیاسی دیگری را در مقابل همگان خواهد گذاشت. ۴- تأمین تبلیغات وسیع و سراسری و تأمین سازمان یافته این تبلیغات چه در محل و چه در ابعاد سراسری که دبیرخانه مرکزی آن را با تلاش خود تضمین خواهد نمود. ۵- مراجعه به مراجع حقوقی بین المللی و همچنین جلب حمایت وسیع مردم در همه این کشورها به این کمپین.

۶- جمع آوری کیسها و فاکتهای مشخص و آمار و ارائه سریع آن به دبیرخانه مرکزی و دبیرتتمان کمپین های آن ۷- جمع آوری وسیع کمکهای مالی در سطح گسترده برای پیشبرد این کمپین. در همین شماره همبستگی شماره حساب دبیرخانه مرکزی به اطلاع عموم رسیده است. ۸- دخالت فعال زنان پناهجو در ترکیه، بویژه به خاطر مصادف بودن کمپین با روزهای برگزاری روز جهانی زن، یعنی روز ۸ مارس. خود روز ۸ مارس روز مناسبی

هم اکنون دست اندرکار این اقدامات هستند، به عنوان مثال در استکهلم دفتر همبستگی در روز ۲۸ فوریه دست به برپایی یک آکسیون اعتراضی زده و از هم اکنون در تدارک ملاقات هیئتی با مقامات یوان در استکهلم هستند. برپایی آکسیونهای اعتراضی همزمان در ژنو، در هلند، دانمارک، آلمان، انگلیس و همه کشورهایی که فدراسیون پناهجویان ایرانی و عراقی در آن حضور دارد، میتواند صدای اعتراض پناهجویان را در سراسر دنیا طنین انداز کند. این اقدامات موثر الگویی خواهد شد برای به دست گرفتن سنتهای مدرن و متشکل برای دست زدن به اقدامات اعتراضی. در شرایطی که پناهجویان در بعضی از کشورها برای خلاصی از موقعیت اسفبار زندگی خود دست به خودسوزی و لب دوزی میزنند. این سنت یک جنبش انسانی

ابعاد وسیعتری به اقدامات ما وصل کنند. حضور و دخالت وسیع همه پناهندگان ایرانی و عراقی و افغانستانی در این کارزار مبارزاتی لازم و حیاتی است. ۲- این کمپین باید در خود ترکیه با تماس با اتحادیه های کارگری، جلب حمایت سازمانهای مدافع حقوق زنان، سازمانهای دانشجویی و غیره تبدیل به یک کمپین وسیع و سیاسی در خود ترکیه شده و ما را با جامعه ترکیه وصل کند. هیچ انسان شریف و آزادیخواهی نیست خواهشهای ما را مورد پشتیبانی قرار ندهد. فعالین فدراسیون باید این کارزار سیاسی را در دسترس حمایت مردم قرار دهند. ۳- اقدامات هماهنگ ما توسط دفاتر فدراسیون در سایر کشورها بسیار در تقویت این کمپین اعتراضی موثر و تعیین کننده است. کادرهای همبستگی از

همانگونه در این شماره و شماره ۳۷ همبستگی هفتگی به اطلاع عموم رسانده ایم، از سوی هر دو تشکیلات سراسری فدراسیون پناهجویان از روز ۲۸ فوریه یک رشته اقدامات و آکسیونها و فعالیتهای اعتراضی علیه رفتار ضدانسانی یو ان در ترکیه و برای احقاق حقوق پناهجویان فراخوان داده شده است. اهمیت سیاسی راه افتادن این جنبش در نوشته های دیگری هم مورد تأکید ما قرار گرفته است. در اینجا اصلی ترین اقدامات و نکات مورد توجه خود را در این کمپین یادآوری و مورد تأکید قرار میدهم. ۱- این کمپین باید بتواند، زمینه دخالت و شرکت هرچه وسیعتر همه پناهجویان را در شهرهای ترکیه و نه فقط در وان و یا آغری فراهم کند. فعالین فدراسیون باید همزمان در آنکارا نیز با دخالت وسیع و متشکل کردن همه پناهجویان خود را در

انسجام و اتحاد در مقابل اخراج

اعداد سپرده شدند و شمار زیادی از سران اپوزسیون ایران را در قلب کشورهای اروپایی نیز به گلوله بستند. طی ۲ سال گذشته دهها تن از پناهندگان ایرانی در دریاها و یا در کانتینرها خفه شده اند. پناهندگان ایرانی باید به مقابله جدی با سیاستهای پناهنده پذیری دولت سوئد بپردازند؛ باید صف هزاران نفریشان را نسبت به همه قوانینی که بشر را به زندگی مرگبار سوق میدهد، انسجام دهند و متشکل کنند. پناهنده ایرانی با توصل به اقدام انفرادی، با توصل به خود زنی و اعتصاب غذای نامعلوم، کار زیادی را نمیتواند به پیش ببرد؛ کار از اینها گذشته است. همه پناهندگان باید بدانند که این درد مشترک، دارو و درمان مشترک نیز دارد و آن انسجام و تشکل است.

دولت سوئد اخیراً به متقاضیان پناهندگی که از دیگر کشورهای اروپایی جواب اخراج گرفته اند و به سوئد گریخته

ترین کشورهای دنیا برای شهروندان آن کشور بوده است. ما پناهندگان فراری از ایران بجرم عقاید سیاسیمان شلاق خورده ایم، زندانی کشیده ایم، کسانی هستیم که هر کدام یک یا چند نفر از وابستگانمان را فقط بجرم بروز عقاید سیاسیشان اعدام کردند، ما از سر خوشی و آسایش مملکتی که در آن زندگی می کردیم کشور خود را ترک نکرده ایم؛ ما از ترس مرگ، از ترس شکنجه وحشیانه، از ترس تجاوز هر روزه گله های پاسدار امر معروف و نهی از منکر به حرمت انسانیمان، به شخصیتیمان، به دار و ندارمان، به انسانیتیمان فرار کرده ایم.

پناهندگان ایرانی در طی ۲۰ سال اخیر، دسته دسته به این دلیل که به دام شکنجه گران و جلاذانی مانند خلخال، لاجوردی، فلاحیان، سعید امامیها، شاهرویدها و هزاران شکنجه گر دست پرورده آنها نیفتند؛ کشور را ترک کرده و در بیرون از مرزهای ایران در کشورهایی مثل ترکیه، پاکستان و عراق به دست تروریستهای جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده اند. بسیاری به ایران اخراج شده و به جوخه

کنند؟ چرا اکثراً دچار بیماریهای روحی می شوند و روانه بیمارستانها میگردند؟ چرا هنگام فرار از ایران به قصد دسترسی به کشورهای امن تری دسته جمعی خود را در کانتینرهای مخفی می کنند که هیچ تأمین جانی ندارد و اکثرشان تاکنون جان خود را از دست داده اند؟ چرا سالها از این کشور به آن کشور فراری می شوند و حاضر به بازگشت به آن جهنمی که از آن آمده اند نیستند؟ چرا باید جوانان پناهنده مجبور شوند از کشوری به کشور دیگر خود را زیر کامیونها آویزان کنند و با ۸۰ در صد خطر مرگ خویش را از دست پلیس مرزی نجات دهند. دولت سوسیال دمکرات سوئد و اداره مهاجرتش از نا امنی جامعه ایران بی خبر نیستند؛ راسیسم دولتی و مصلحت سیاسی و دیپلماتیکشان با رژیم کثیف اسلامی و قاتل ۱۵۰ هزار اعدام، بر تمام انسان دوستی دروغین شان سایه انداخته است. آنها خوب می دانند جامعه ایران طی دو دهه اخیر یکی از نا امن

حقوق ماهانه، نداشتن مسکن، عدم دسترسی به مدرسه و کلاس زبان برای خود و بچه هایشان، قطع امکانات پزشکی و غیره، آینده بسیار تیره و تاری را بر زندگی آنها تحمیل کرده است. پناهندگان مخفی بخاطر شرایط سخت زندگی ناچار می شوند دست به پست ترین و شاق ترین کارهای سیاه با بیشترین ساعت کار و کمترین حقوق تن بدهند. این وضعیت قابل تحمل نیست دولت سوئد دست به شکار پناهندگان ایرانی زده است. این تجاوز آشکار به حقوق مردمی است که به قصد تأمین امنیت جانی شان به این مملکت آمده اند. تعرض دولت سوئد به پناهندگان ایرانی با همه قوانین موجود بین المللی در دفاع از حق پناهنده منافات دارد و با همه معیارهای انسان دوستانه و دفاع از حقوق انسانی در تناقض است. تمام دلایل دولت سوئد برای بازگرداندن پناهندگان ایرانی این است که جامعه ایران امن است. برآستی اگر امن است چرا به محض دریافت جواب رد، اقدام به خود کشی می

عبدالله اسدی

انسجام و اتحاد در مقابل اخراج <آ> در آستانه سال ۲۰۰۲ دولت سوئد به شمار وسیعی از پناهندگان ایرانی جواب منفی داد و آنها را به زندگی مخفی وادار کرد. دولتهای غربی برای اخراج پناهندگان ایرانی و بازگرداندن آنها به جهنم جمهوری اسلامی دست در دست هم گذاشته اند تا پناهندگان را از ابتدایی ترین حقوق انسانی که به آنها تعلق میگیرد محروم کنند. شمار بسیار زیادی از پناهندگان اخراجی اخیر، خانواده های بچه دار هستند که نه راه بازگشت به ایران را دارند و نه امکان رفتن به هیچ جای دیگری؛ همه آنها از کمپ ها به شهرهای بزرگ تر فراری شده اند و آنهايي که در شهرهای بزرگ تر خود را اسکان داده بودند، خانه های شان را ترک کرده اند و به دنبال مأوایی که بتوانند بطور مخفی در آن زندگی کنند، سرگردان شده اند. ترس از دستگیری و اخراج، محرومیت از دریافت

علیه "بازداشت"

ادامه

انسجام و اتحاد در مقابل اخراج

اند اعلام نموده که حاضر به مصاحبه با آنها نخواهد بود. چه باید کرد؟ همه راهها را سد کرده اند، راه چاره چیست؟ همه شواهد موجود نشان دهنده این حقیقت است که اگر بی تفاوت باشیم، اگر پراکنده و هر یک در فکر پرونده خود و مشکل خود باشیم، اگر به انتظار حوادث و ماجراهای اتفاقی بنشینیم، هیچ چیز به نفع ما و جنبش ما به پیش نمیرود. باید دست به دست هم داد و حرکت کرد؛ باید به جنبشهای رادیکال و طرف دار حقوق مدنی پیوست؛ باید سازمانها و احزاب طرفدار حقوق پناهندگی را متوجه خود کرد و آنها را در سرنوشت خود دخیل نمود. باید مبارزه در دفاع از حق پناهندگی را به یک مبارزه سراسری و همه گیر تبدیل کرد. آوارگی ما محصول جمهوری اسلامی است و کشورهای اروپایی خود به تداوم این آوارگی و ثبات هر چه بیشتر رژیم کثیف و آدمکش جمهوری اسلامی دامن میزنند. باید آنها را وادار کرد که دست از حمایت رژیم اسلامی بردارند. پناهندگان ایرانی در خارج از مرزهای ایران باید به یک جنبش افشاگر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شوند؛ باید افکار عمومی دنیا را از عمق فجایی که هر روزه در ایران اتفاق می افتد متوجه کرد. باید جهانیان بدانند که با آمدن خاتمی، فضای باز سیاسی در ایران ایجاد نشده، از شمار اعدامیها کم نشده و هنوز سیاسی بودن جرم محسوب میگردد. باید افکار عمومی را متوجه این نمود که هر روزه شمار زیادی از جوانان دختر و پسر را فقط به جرم با یکدیگر قدم زدن در خیابان، در ملا عام شلاق میزنند. تکنولوژی ارتباط جمعی، فواصل دور جغرافیایی را بسیار به یکدیگر نزدیک نموده است؛ هر حرکتی در هر کجای دنیا بلافاصله انعکاس میابد، باید هزاران بار با صدای بلند بگوییم جمهوری اسلامی جامعه ایران را به قحطی و گرسنگی، به اعتیاد، به فحشا و به مواد مخدر کشانده است. دولتهای اروپایی باید بفهمند که پناهندگان ایرانی از ناامنی جامعه فرار میکنند و به همین دلیل باید ناامنی جامعه ایران را برای شهروندان آن کشور برسمیت بشناسند.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی یک پای اصلی دفاع از حق پناهندگی به عنوان شهروندان متساوی الحقوق است. مبارزه و مقاومت پراکنده و اینجا و آنجا را به یک مبارزه متشکل و سازمان یافته در صفوف فدراسیون و در دفاع از حقوق خود گره بزنید.

کند - این در قرن ۲۱ غیر قابل قبول است. همچنین هیچ دولتی نمیتواند فراریانی که "بی خانمانند" و قادر و یا حاضر به "بازگشت به خانه خود" نیستند را زندانی کند. آنها را که در "یارلز وود" و دیگر "مراکز" زندانی اند، بازداشتی نیستند، بلکه زندانیان سیاسی اند. "یارلز وود" یک "مرکز بازداشت" نیست، زندان و کمپی مانند اردوگاههای مرگ در دوران تسلط نازیها بر آلمان است. زندانیان، جنایتکار و خشونت طلب نیستند، بلکه مردمی اند که از رژیمهای مستبد و جنایتکار فرار کرده اند - رژیمهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که مکرراً از سوی دولت انگلیس حمایت شده اند. باید تاکید گردد این سیاست دیپورت و زندانی کردن پناهجویان و فراریان است که خشونت آمیز و جنایتکارانه است نه اقدام این زندانیان برای خلاصی از وضعیت غیر انسانی ای که در آن اسیر شده اند. تنها راه حل اساسی، بسته شدن تمام "مراکز بازداشت" و پایان دادن به دیپورت است. تنها راه اساسی عدم حمایت از حکومتیهای جانیان است. باید به این اوضاع خاتمه داده شود. تنها حضور پر قدرت یک جنبش بین المللی دفاع از حقوق انسانی و مدنی میتواند پرونده چنین فجایع انسانی را ببندد. جنبش ما میتواند تکلیف این بی حقوقی را روشن کند.

همین خاطر است که اجازه ندادند کارمندان کافی موجود باشند و سیستم آبپاشی نصب نکردند! در حالی که بعضی از مسائلی که آنها مطرح می کنند حقانیت دارد و پیشنهاداتشان نیز در بعضی موارد مشروع اند، اما آنها به دلایل ریشه ای این اتفاق و راه حلهای پایلای نمی پردازند. برای مثال آیا آموزش بیشتر و افزایش کارمندان "بازداشتگاه" واقعا مشکل را حل می کرد؟ اگر سیستم آبپاش نصب می شد، اگر "گروه ۴" آن "بازداشتگاه" را اداره نمی کرد و دولت انگلیس مسئول اداره اش بود، آنوقت همه مشکلات حل می گردید؟ آیا همه چیز خوش و خرم می بود اگر "بازداشتگاه" دلبخواهی نبودند؟ آیا این آتش کشیدن و "آشوبها" و تراژدی ها پایان می یافت؟ مسلم است که اینطور نیست. این اقداماتی که پیشنهادی شده است مانند پیشنهادی است که می گویند احکام اعدام در آمریکا باید به تاخیر بیفتد تا تضمین شود اعدامها بدون تبعیض نژادی صورت گیرد، نه اینکه خواهان لغو حکم اعدام باشند. هیچ تغییری در امر اداره این بازداشتگاه توسط دولت انگلیس نمیتواند به این تراژدیها پایان دهد جز اینکه "یارلز وود" و تمام "مراکز بازداشت" کاملاً از بین بروند. بحث و راه حل واقعی اینجاست. هیچ دولتی نمیتواند مردم بی خانمان را بخاطر اینکه مکان زندگی ندارند زندانی

می شود.». بعد از اینکه آنها ساعتها در سرما بدون لباسهای گرم ایستادند، آنها را به ریلها دستبند زده و از آنجا بردند. گزارشات حاکی از این است که مأمورین مجبور شدند وسایل مخصوصی برای شکستن درها بیاورند که در غیر این صورت باز شدن درها امکان پذیر نمی بود. پلیس و مأمورین "گروه ۴" مانع ورود مأمورین آتش نشانی به ساختمانها شدند تا آنها نتوانند به مردم برای نجات یافتن از آتش سوزی کمک کنند.

در حالی که تا بحال وزارت کشور انگلیس هیچ اظهار نظری در این رابطه نکرده است، گروههای زیادی در مورد این واقعه اعلام موضع کرده و راه حل ارائه داده اند. اتحادیه گ. ام. ب. > که نماینده ۱۷۰ کارمند در "یارلز وود" است می گوید تعداد کم کارمندان و آموزش ناکافی دلیل این آتش سوزی و "آشوب" می باشد. گروههای مدافع پناهجویان می گویند دلایل اصلی برای این تراژدی این بوده که "مرکز بازداشت" را با سرعت زیاد ساختند و سیستم آب پاشی نصب نکردند، "گروه ۴" با "بازداشتیها" بدرفتاری می کرد و اینکه آن شرکت تاریخچه خوبی در اداره بازداشتگاههای دیگر نداشت و کارمندان را بطور موثر تقسیم نکرد. یا می گویند که "گروه ۴" مانند دیگر شرکتیهای خصوصی این "مرکز" را برای سود اداره می کرد، به

ادامه

رئوس خواستها و مطالبات کمپین اعتراضی علیه بی حقوقی پناهجویان در ترکیه؟

آنها

- ۴- بهبود پروسه تصمیم گیری پروندهها، منجمه اعلام دلایل ردی، بالا بردن تعداد فرجام و مصاحبهها، و سرعت بخشیدن به تصمیم گیریها
- ۵- دادن امکانات زیستی و بهداشتی برای تمام پناهجویان و اسکان دادن آنها در محلهای دور از مناطق مرزی و تضمین امنیت زندگی آنها در رابطه با عوامل تروریست جمهوری اسلامی
- ۶- دخالت قاطعانه و ممانعت از اخراج و دیپورت پناهجویان. سازمان ملل در مقابل هرگونه خطری که جان و زندگی پناهجو را پس از اخراج تهدید کند جوابگو باید باشد.
- ۷- اعزام فوری پناهجویان قبولی، منجمه پناهجویانی که به دلیل ناامن بودن شمال عراق و عدم رسیدگی به امور پناهندگی خود مجبور به فرار شده و به ترکیه آمده اند.

- ۸- برسمیت شناختن حق اعتراض پناهجویان فدراسیونهای سراسری پناهجویان ایرانی و عراقی مشترکاً همه پناهجویان را در سراسر دنیا، همه مردم آزادخواه و شریف، همه احزاب و اتحادیه های کارگری، همه سازمانهای مدافع حقوق مدنی را به شرکت و حمایت وسیع از این کمپین اعتراضی و به حق فرامیخواند.

دبیرخانه مرکزی همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
دبیرخانه مرکزی همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان عراقی

۲۱ فوریه ۲۰۰۲

در سال ۲۰۰۰، ۳۵۰۰ پناهنده ایرانی و ۱۱۰۰ عراقی خود را به سازمان ملل معرفی کردند در حالی که تعداد پناهجویان در ترکیه تا ۱۰۰۰۰ هم می رسد، آمار قبولی در سال ۲۰۰۰ از سوی سازمان ملل ۴۹ درصد پناهجویان ایرانی اعلام، در حالیکه آمار رسمی دولت ترکیه به ۹۶.۵ اشاره میکند، در همان سال یوان ۲۵ درصد پناهجویان عراقی را و دولت ترکیه ۴۱ درصد را مورد قبول قرار داده است. تفاوت آمار دولت و یوان از این زاویه با اهمیت است که نه فقط بیانگر رفتار یوان با پناهجویان است، بلکه سؤال بزرگی است در مقابل مقامات یوان ترکیه که سرنوشت آن صدها نفری که هم از سوی دولت و هم از سوی یوان ردی دریافت کرده اند، به کجا انجامیده است. اخراج و دیپورت در انتظار کسانی است که از سوی هر دو طرف ردی میگیرند.

هم از این رو و در اعتراض به این شرایط ضد انسانی ما با اعلام این خواستها، کمپین وسیع اعتراضی خود را اعلام میکنیم. خواستها و مطالبات ما از سازمان ملل به این قرار است:

- ۱- برسمیت شناختن حق پناهندگی تمام پناهجویانی که از کشورهای اسلام زده ایران و عراق و افغانستان میگزینند، بخصوص زنان و کودکان فراری
- ۲- ناامن اعلام کردن کشورهای ایران، عراق
- ۳- باز شدن تمام پرونده های بسته و رسیدگی فوری و بدون فوت وقت به همه

این سیاست راسیستی دولت انگلیس هم موج اعتراض و مبارزه را در مقابل خود خواهد یافت!

نسرین پرواز

دیوید بلانکت وزیر کشور انگلیس لایحه ای به نام "مرزهای امن، بهشت امن، انگلیس مدرن با ایده های متفاوت"، ارائه داده است. لایحه فوق که با تیتیری همراه کننده ارائه داده شده است، محدودیتهای جدیدی به مشکلات پناهندگی می افزاید. این لایحه که با روح راسیستی نوشته شده است، نه تنها فشاری از روی متقاضیان پناهندگی کم نمی کند، بلکه به آنها یادآوری می کند که اگر حتی به عنوان پناهنده هم قبول شوند، نباید فکر کنند که به راحتی می توانند تابعیت انگلیس را بدست آورند. لایحه بلانکت به معنای کنترل بیشتر، حقوق کمتر، بازداشت و دیپورت بیشتر پناهندگان خواهد بود.

لایحه بلانکت که به اسم فرم در وضعیت پناهجویان ارائه شده است، برای کنترل بیشتر مرزها با افزایش نیروهای امنیتی در فرودگاهها می باشد. این لایحه نه تنها شرایط گذر از دژهای انگلیس را برای پناهجویان ساده نمی کند، بلکه تلاشی برای سخت کردن شرایط پناهندگی و زندگی پناهندگان می باشد. لایحه بلانکت بر ضرورت یک شماره تلفن اضطراری تاکید دارد که در اختیار مردم قرار داده شود تا بتوانند در مورد نقض قوانین توسط پناهندگان گزارش دهند.

لایحه بلانکت موانع جدیدی در مقابل آتیهایی قرار می دهد که در سفرشان به انگلیس برای دیدن اقوامشان، ازدواج می کنند و قصد ماندن دارند. بنابر این طرح، این نوع ازدواجها برای دو سال تحت نظر خواهند بود، تا به حال برای یک سال تحت نظر بودند. ماموران همافیس آنها را چک خواهند کرد که مطمئن شوند با هم زندگی می کنند. کسانی که با ویزای موقت کمتر از ۶ ماه وارد انگلیس می شوند حق ماندن در انگلیس را بخاطر ازدواج نخواهند داشت. آنها باید به کشوری که از آن آمده اند برگردند و در آنجا تقاضای آمدن به انگلیس را بکنند. قوانین جدیدی که بلانکت شمرده است شامل حال همه مهاجران و

متقاضیان پناهندگی ای می شود که زمان ورودشان مصادف با پیاده کردن سیستم کارت می باشد. کارت شیک که بلانکت به بهانه جلوگیری از سوء استفاده از سیستم آنرا مطرح کرده است، بهترین شیوه کنترل پناهندگان می باشد. این کارت شناسایی نقض حقوق شهروندی پناه جویان می باشد، چرا که با این کارتها می توانند تمام رفت و آمد آنها را تحت نظر داشته باشند.

این کارتها اثر انگشت، عکس و مشخصاتی مثل سن و ملیت متقاضی پناهندگی را در بر خواهد داشت. در این کارتها که به اندازه کارتهای بانکی خواهند بود، اطلاعات دیگری نیز گذاشته می شود که تنها ماموران همافیس قادر خواهند بود به آن دسترسی داشته باشند. تا کنون به همه متقاضیان پناهندگی یک برگه داده می شد. بنابر این طرح از پائیز آینده این کارت جای آن برگه را خواهد گرفت. بهانه بلانکت برای تغییر سیستم تاکنون این است که تا کنون امکان تقلب باز بوده است و سیستم جدید یعنی این کارتها جلوی هرنوع تقلب را خواهند گرفت.

بنابر طرح بلانکت متقاضیان پناهندگی برای ۱۰ روز اول در مرکزی خواهند بود و از آنجا به مکانی که باید زندگی کنند منتقل خواهند شد و در صورتی که در آن مکان بمانند هزینه زندگی به آنها تعلق خواهد گرفت. در طی این مدت پرونده آنها بررسی خواهد شد و ممکن است از آنجا به بازداشتگاه منتقل شده و دیپورت شوند. برای این منظور ظرفیت بازداشتگاهها ۴۰٪ افزایش خواهد یافت.

برای کنترل و جلوگیری از ورود پناه جویان "غیرقانونی"، در فرودگاهها و مرزهای کشور امکانات بیشتر عکس برداری و اندازه گیری ضربان قلب گذاشته خواهد شد. بلانکت خاطر نشان ساخته است که با قاچاقچیان پناهجویان "غیرقانونی" و آتیهایی که در دایره کار سیاه می باشند، رفتار سخت تری خواهد شد. وی می گوید، هر روز صبح در خیابانهای مشخصی از شمال لندن کارگران برای کارهای ساختمانی استخدام می شوند که روزی ۳۰ پوند دستمزدشان

است و این نوع کار زیر پا گذاشتن قوانین کار و مهاجرت است.

بنابر طرح جدید قبل از آنکه تابعیت انگلیسی به پناهندگان داده شود باید در امتحان انگلیسی کتبی و شفاهی و فرهنگ انگلیسی که از آنها گرفته می شود، قبول شوند. وی خاطر نشان می سازد که ابلاغ تابعیت انگلیسی باید رسمی و همراه جشن باشد. مثل زمانی که فرد غسل تعمید داده می شود، ازدواج می کند و یا از دانشگاه فارغ التحصیل می شود. مراسمی به نام جشن تابعیت نیز در اداره ثبت برگزار خواهد شد و طی آن تابعیت انگلیسی به متقاضیان ابلاغ می شود. متقاضیان تابعیت انگلیسی علاوه بر سوگند به ملکه، باید اذعان دارند که حقوق بشر، آزادی و ارزشهای دموکراتیک را قبول دارند.

لایحه پیشنهادی بلانکت، طرح تعطیل کمپس فیلد هاوس، بازداشتگاه متقاضیان پناهندگی را در بر دارد. کمپس فیلد هاوس از ۱۹۹۳ برای بازداشت پناه جویان مورد استفاده قرار گرفته است. بنابر این لایحه قرار است از این نوع بازداشتگاهها بعنوان مراکز انتقالی برای دیپورت استفاده شود و دولت قرار است دو تا بازداشتگاه دیگر نیز بسازد که ظرفیت بیشتری داشته باشند. لازم به یادآوری است که سالهاست کمپینی برای بستن کمپس فیلد هاوس در جریان است که ماهی یک بار در مقابل آن دست به تظاهرات می زنند. زندانیان این بازداشتگاه بطور مرتب با اعتصاب غذا اعتراض خود را به شرایط غیر انسانی آن نشان داده اند. در طی سالیهای گذشته زندانیان این بازداشتگاه بارها دست به شورش زده اند. فشار معترضین به دولت که خواهان بسته شدن این بازداشتگاه بودند نقش تعیین کننده ای در تصمیم کنونی دولت مبنی بر بستن آن دارد. این بازداشتگاه نزدیک شهر آکسفورد است و دانش جویان و اتحادیه های کارگری این شهر همواره به بازداشت پناه جویان و استفاده از این بازداشتگاه اعتراض داشته اند. برخی از پناه جویان برای دو سال در این بازداشتگاه زندانی

بوده اند و مثل جانیان با آنها رفتار شده است. حداقل ۵ بازداشتگاه مشابه کمپس فیلد هاوس در انگلیس هست که شرایط غیر انسانی مشابهی بر آنها حاکم است و باید بسته شوند.

بنابر طرح بلانکت همچنان تنها ۷۰٪ کمک هزینه اجتماعی به متقاضیان پناهندگی تعلق خواهد گرفت و تا زمانی که تقاضای آنها تحت بررسی است اجازه کار نخواهند داشت. بلانکت

نامه حمایتی پناهندگان نوشهر از کمپین اعتراضی در ترکیه به کمیساریای عالی پناهندگان و سازمان ملل ترکیه

«اعتراض نامه»

به دنبال جهت گیریهای اخیر یو ان در رابطه با وضعیت پناهندگان ایرانی، عراقی و افغانی که هیچ گونه مسئولیتی در مقابل حیات و زندگی سخت و روزمره، امنیت، آسایش روحی و جانی پناهندگان به عهده نمیگیرد و حاصل این جهتگیری تراژدیهای اخیری که به دو نمونه آن اشاره میشود، میباشد.

یک پناهنده ایرانی به اسم کریم توژله بی در تاریخ ۲۰۰۲.۱۰.۴ بدست سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی در شهر مهاباد اعدام شد. او یک پناهنده سیاسی بود که در سال ۱۹۹۷ خود را به یو ان ترکیه معرفی کرده بود و در سال ۱۹۹۸ دیپورت شد و تا زمانی که اعدام شد در زندان بود. همچنین یک پناهجوی عراقی به اسم فرهاد فرج که خود را به یو ان معرفی کرد و بعد از دیپورت در شهر سلیمانیه عراق ترور میشود. تمام این جریانها پیش آمده به عهده یو ان میباشد. در ماه ژانویه امسال پناهندگان ایرانی در کمپ یوزگاد در مقابل سیاستهای در بسته یو ان دست به اعتصاب و اعتراض زده اند ولی یو ان در مقابل خواستهای واقعی پناهجویان هیچ اقدامی نکرده است. از طرف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در دفاع از کلیه پناهندگان مستقر در ترکیه یک کمپین جهانی اعلام می نمایم.

۱. باز شدن تمام پرونده های بسته شده و رسیدگی عاجل به آنها
۲. ما خواستار حمایت یو ان از عدم دیپورت پناهجویان و توقف آن هستیم. ما خواهان پشتیبانی قاطع یو ان از این موضوع میباشیم
۳. برسمیت شناختن حق پناهندگی زنان بر اساس مفاد پروتکل اخیر یو ان در آخرین نشست این سازمان در ژنو
۴. برسمیت شناختن حق پناهندگی کودکان که به پای وضعیت پناهندگی والدین خود میسوزند
۵. تامین امکانات معیشتی پناهجویان مانند دارو، پوشاک و مسکن
۶. ما خواستار حق اقامت برای همه پناهجویان مستقر در ترکیه هستیم.

از طرف کلیه پناهندگان مستقر در نوشهر ترکیه فریدون شاملی، نژاد رسول رسول، صالح وکیل، حسن عزیز، سیامک حاجری زاد، کورش رهبر، خدیجه بابیری، زهره منبری، حسن قادر درویش، نجم الدین طه احمد، صلاح الدین صالح فتح اله، نهرو عمر نجم، مریوان ملا محمود، صالح ویسی، صلاح الدین طاهری، رشید عابدینی، محمد عرفانی، جمیله شکری، شجاعی نیا، ذاکراییان، روبرت ذاکراییان، ایرج عباس زاده، ناصر مولانی، محمد امین ابراهیم زاده، آرزو، داودی، مارگریت داودی، مریم داودی، محسن کاظمی

همبستگی هفتگی: (با پوزش، اگر در اسامی اشکال املایی وجود دارد. دلیل آن ناخوانا بودن فاکس ارسالی بود، در شماره بعد اسامی تصحیح میشود)